بسم الله الرحمن الرحیم

# 1. شکست نقشه کلان آمریکا؛ جهاد حاج قاسم

**(برهم زدن نقشه آمریکا جهت ساخت دولت و ملت جدید در منطقه؛ هدف اصلی شهید قاسم سلیمانی)**

جهانی شدن آرمان‌ها و مفاهیم آمریکایی؛ رؤیا و دستورکار اصلی نظام استکبار پس از جنگ سرد تحقق این امر در همه جوامع دنیا بود. در پیاده‌سازی همین هدف بود که آمریکا به‌دنبال راهبرد کلان خود خاورمیانه جدید را ترسیم می‌کرد که دولت‌های آن براساس الگو و مدل‌های تدوین شده بین‌المللی کشور خود را اداره کنند و نخبگان و عموم ملت با باور به ارزش‌های غربی، سبک زندگی آمریکایی را برگزینند. امام خامنه‌‌ای (مدظله) دراین‌باره می‌فرمایند: « «آمریکا یک نقشه‌ای برای این منطقه‌ی غرب آسیا که خودشان به آن میگویند خاورمیانه، داشته‌اند... که بر اساس آن یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی جدید» را آوردند، یک مدّتی اسم «خاورمیانه‌ی بزرگ» را آوردند؛ یک نقشه‌ای برای اینجا داشتند. محور اصلی این نقشه و قلب این نقشه عبارت بود از سوریه، لبنان، عراق؛ این سه کشور، سه محور و سه مرکزی بودند که این نقشه باید عمدتاً آنجاها پیاده بشود؛ چه‌جوری پیاده بشود؟ دولتهایی در این سه کشور بر سر کار بیایند که تسلیم مطلق و نوکر آمریکا باشند، هرچه آمریکا میخواهد اطاعت کنند و برای او عمل بکنند. نتیجه چه خواهد شد؟ نتیجه این است که تمام این منطقه میشود پاانداز رژیم صهیونیستی و در این منطقه همان از نیل تا فراتی که آنها گفته بودند به یک شکلی تأمین خواهد شد، ولو نه به شکل سیاست ظاهری، به شکل سلطه و نفوذ و تسلّط معنوی و واقعی.»

به‌عبارت دیگر نقشه اصلی آمریکا؛ ساخت دولت و ملت جدید براساس اررزش‌های غربی در منطقه بود. قاسم سلیمانی؛ شخصیتی که به اذعان غربی‌ها توانست نقشه و راهبرد کلان آمریکایی را در منطقه به‌هم بریزد. بی‌شک حذف سردار بزرگ ایران برای نظام استکبار جهانی، ترور یک شخصیت مهم در مقامات ایرانی نبوده و انجام این اتفاق در ناجوانمردانه‌ترین حالت خود در چنین شرایط و مقطع زمانی دارای ابعادی پنهان و عمیق می‌باشد.

نقشه و برنامه آمریکایی‌ها دقیقا چه بوده که شکست استراتژیک آن در منطقه توسط انقلاب اسلامی با میدان‌داری شهید قاسم سلیمانی بسیار سنگین آمد.

اسناد بین‌المللی، کلیدواژه و دستورکار اصلی نقشه کلان آمریکا جهت ساخت دولت و ملت جدید در کشورهای مختلف ازجمله منطقه غرب آسیا می‌باشد.

این اسناد در همه ابعاد اجتماعی در یک کشور دارای اهداف و برنامه بوده و براساس مفاهیم و شاخص‌های توسعه غرب تدوین شده‌اند. هدف اصلی این اسناد قرارگیری در برنامه‌ریزی یک کشور و اثرات همه‌جانبه بر سبک زندگی افراد یک جامعه است.

مهم‌ترین و اولین سند بین‌المللی که به‌عنوان مادرسند و چتر اصلی همه اسناد بین‌المللی است، دستور کار 2030 برای توسعه پایدار موسوم به (SDGs) است. مفاهیم اصلی، آرمان‌ها و اهداف کلان توسعه پایدار به‌عنوان افق جدید جهان در قالب شعار «دگرگون‌سازی جهان» در این سند درج‌شده است ذکر این موضوع حائز اهمیت است که فصل مشترک همه اسناد بین‌المللی به‌عنوان دستورکار فرایندهای حاکمیت در ابعاد گوناگون و به فراخور وضعیت هر کشور، سند توسعه پایدار است. دومین سند به لحاظ اهمیت و پس از سند توسعه پایدار، سند آموزش 2030 (Education 2030) است. فعالیت محوری این سند تعریف مفاهیم اصلی سبک زندگی و چگونگی آموزش آن‌ها به جامعه براساس اصول توسعه غرب است. سومین سند، «سند رفع فقر و توانمندسازی» نام دارد. این سند تمامی مفاهیم اصلی مربوط به فقر و توانمندسازی فقرا را از مبانی نظری و مفاهیم اولیه تا الزامات ساختاری و فرهنگی و درنهایت چگونگی اجرا و بازخورد گیری، تشریح نموده است. سند چهارم با نام «شاخص‌های توسعه پایدار» به معیاربندی فعالیت‌های دولت‌ها در جهت رسیدن به اهداف توسعه پایدار می‌پردازد. این سند هویت هر کشور را در مسیر تحقق اهداف توسعه پایدار بررسی نموده و به‌صورت مستمر با رصد فعالیت‌های کشورها، نظارت بر تحقق اهداف توسعه پایدار را نیز بر عهده دارد. اسناد راهبردی دیگر در حوزه‌های مبارزه با فساد، تغییر اقلیم و محیط زیست، مدیریت منابع طبیعی، ارتباطات و فناوری، صنعت، غدا و کشاوری، بهداشت و مدیریت شهری نیز وجود دارد که همه این‌ها از همه‌جانبه بودن نقشه کلان آمریکا در ایجاد دولت‌های جدید و مطیع خود در منطقه پرده بر می‌دارد.

طبیعی است که عصبانیت نظام استکبار از اقدامات و اثرگذاری شهید والا مقام سردار سپهبد قاسم سلیمانی در برهم زدن و به شکست رساندن چنین نقشه‌ای که سال‌های زیادی صرف تهیه آن کردند، بسیار بالا باشد. جهاد اصلی حاج قاسم سلیمانی بی‌شک به پایین کشیدن تمام نقشه جدید آمریکا در دنیا، شکست هیمنه نظام استکبار و اثبات ضعف و گسست درونی آن بوده و به جهانیان تصویر جدیدی از کارآمدی و پیشرفت مؤثر برای یک جامعه براساس اهداف و آرمان‌های اسلام ناب محمدی را ترسیم نمود. همانطور که امام خامنه‌ای دراین‌باره فرمود: « واقعیّت با آنچه اینها می‌خواستند چقدر فاصله دارد!... درست نقطه‌ی مقابل آنچه آمریکا می‌خواسته تحقّق پیدا کرده. وقتی آمریکایی‌ها نگاه می‌کنند، ایران را در این زمینه مؤثّر و مقصّر می‌دانند لذا عصبانی‌اند... مسئله این است... آن عکس‌العملی که آنها دارند نشان می‌دهند، نشانه‌ی ضعف است، نشانه‌ی عقب‌ماندگی آن‌ها است، و نشانه‌ی عصبانیّت ناشی از شکست‌خوردگی آنها است. بینی‌شان به خاک مالیده شده؛ لذا عصبانی‌اند.»[[1]](#footnote-1)

«دولت مستکبر، غیرمنطقی و جنایتکار آمریکا که خود را قدرتی بلامنازع می‌دانست در این رویارویی استراتژیک با جمهوری اسلامی، شکستی همه‌جانبه و تاریخی متحمل شد: «این همان چیزی است که انقلاب میخواست. خواسته‌ی انقلاب تحقّق پیدا کرد، خواسته‌ی آمریکا و همراهان آمریکا تحقّق پیدا نکرد.»[[2]](#footnote-2)

باتوجه به این نکات می‌توان از ماجرای شهادت حاج قاسم سلیمانی فهمی صحیح و اصولی پیدا کرد...

1. . ۱۳۹۶/۰۶/۳۰ [↑](#footnote-ref-1)
2. . ۱۳۹۶/۰۳/۱۷ [↑](#footnote-ref-2)